



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

سرقت ادبی

محمد محیط طباطبائی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرقت ادبی

نویسنده:

محمد محیط طباطبائی

ناشر چاپی:

ماهنامه گوهر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ سرقت ادبی
۶ مشخصات کتاب
۶ پژوهشی در قطعه شعری منسوب به طاهره قره العین در کتب بهائیان
۱۰ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سرقت ادبی

مشخصات کتاب

مؤلف: محمد محیط طباطبائی

آبان ماه ۲۵۳۶، صفحات ۵۸۸-۵۸۱

برگرفته از: ماهنامه گوهر، سال ۵، شماره ۸

پژوهشی در قطعه شعری منسوب به طاهره قره‌العین در کتب بهائیان

نزدیک به چهل سال پیش در کتابخانه مجلس شوری به مجموعه ای یا جنگی خطی دست یافتم که مشتمل بر هفتصد و اندی صفحه بزرگ بود و به شماره ۱۴۰۹۱ در دفتر کتابخانه مزبور ثبت شده بود. قسمت اعظم مجموعه مزبور به خط جمال الدین محمد حسنی یا حسینی از احفاد (لابد دختری) شیخ احمد ژنده پیل جام است که خود را قادری و زنده فیلی و جامی معرفی می کند. این مجموعه کلان مشتمل بر اقتباساتی از چند کتاب و رساله فارسی و عربی و منتخباتی از اشعار برخی شعر است که اهم محتویاتش عبارت است از: .

محتویات مجموعه:

۱- تاریخ گزیده حمداله مستوفی - مقدمه الصلوه ابوالیث سمرقندی - نام حق بوعلی فلندریاتی پتی - فصوص الحکم ابن عربی - گلشن راز شیخ محمود شبستری - شرحی بر گلشن راز - تحفه اکبری لغت عربی به فارسی - لطایف اللغات عبداللطیف عباسی - تیسیر الاحکام فقه - بحر المناقب درویش برهان - فوایدی از عالم آرای عباسی - فوایدی از روضه الشهداء - بابی از گلستان - چند شجره نامه از برخی سلسله های صوفیه - فوایدی از لوائح القمر و تحفه المنجمین - لغت فارسی - اقتباساتی از مثنوی - جوشن کبیر - مدخل نجوم خواجه نصیر - ترجیعات - مضحکات از کلیات شیخ - الفاظ ملاد و پیازه.

۲- نمونه هائی از اشعار شعرايي هم چون سعدی - شیدا - شاپور - فیضی - عشرتی - صائب - عرفی - جامی - برهمن - صفی قلی بیگ میلی - نورالله - طغرا - فرصت - آصفی - شاه سلیمان - قاسم انوار - نظامی - ابوسعید - میرحسینی - امیر خسرو - کاتبی - سنائی - ظهیر - عصار - نظامی - ابوالفرج هاشمی کرمانی - سعیدای هندی - سنجر - زکی - قدسی - نسیمی - فردوسی - سلیم - آتش - رازی - محمداسماعیل - خیالی - امام فخر - ابراهیم میرزا - سلمان - شیخ شهاب سهروردی - سید محمد جامه باف - میر عبدالباقی - امیر نصیبی - فغانی - محوی - داراشکوه - انوری - سالیلی - مغربی - عراقی - محمد تقی دهداری - بوالوفاء خوارزمی - روزبهان بقلی - شیخ ابوالفضل - بستی - مجد الدین - سعد الدین حموی - سیف باخزری - رضی الدین علی لالا - بیدلی - فیاضی - آذری - احمد جام - کمالی - سلیمان شکوه پسر داراشکوه - ثنائی - نصرتی - شفائی - ملائی - محمد طاهر وحید - حسینی - نواب والجاه وحید - شاه شرف شیرازی - یار علی قزوینی - اهلی - مهری - پناهی - اوحدی - محیی جمال الدین محمد نویسنده و جامع جنگ مطالب مختلف این مجموعه را از سال ۱۱۰۶ هجری تا ۱۱۱۹ به تفاریق ایام در اصفهان فراه و قندهار و مشهد نوشته و در پایان غالب اجزاء آن نام محل و تاریخ تحریر را قید کرده است. از این قرار: ۵ شوال ۱۱۰۶ در اصفهان - ۱۶ رمضان ۱۱۰۷ در چهاردیواری قندهار - ۲۱ جمادی الاولی ۱۱۰۸ در قندهار - ۲۰ ذی قعدة ۱۱۰۸ در قندهار - ۱۶ رمضان ۱۱۰۹ در فراه - رمضان و شوال ۱۱۱۰ در فراه - ۲۶ ذیقعدة ۱۱۱۲ در مشهد - ۷ شوال ۱۱۱۵ در فراه - ۲۷ ربیع ۱۱۱۸ در مشهد - ۱۶ جمادی الاولی ۱۱۱۸ در مشهد - ۲۴ جمادی الثانیة ۱۱۱۹ در مشهد. از مراجعه و مقایسه تواریخ و اشارات دیگر می توان دریافت که جمال الدین محمد قادری صاحب و جامع مجموعه یکی از همراهان اکبر پسر اورنگ زیب شاهزاده هندی بود که وقتی از پدر

خود رو گردان و گریزان و به دربار شاه سلیمان صفوی پناهنده شد همه جا با او در سفر و حضر همراه بود. جامع مجموعه در سال ۱۱۰۵ به عهد سلطنت شاه سلطان حسین که شاهزاده اکبر در اصفهان حضور داشت کار جمع آوری و تحریر مطالب این جنگ را آغاز می کند و درباره زمان ما قبل از این تاریخ توضیحی نمی دهد که خود و مخدومش در چه وضع و حالی در کجا به سر می برده اند. شاهزاده اکبر مخدوم صاحب مجموعه - باعث بر حضور جمال الدین محمد و مخدوم او اکبر در اصفهان به سال ۱۱۰۶ شاید موضوع وفات شاه سلیمان و جلوس شاه سلطان حسین و به جای پدر در سال ۱۱۰۵ باشد که سوداهای خفته را در دل اکبر ناگهان بیدار ساخت و به اصفهان آمد تا رضایت و مساعدت شاه را برای شروع جنگ در مرزهای ایران و هند به دست آورد. توضیح این که وقتی اکبر در ۱۰۹۲ هجری به ایران رسید و مورد پذیرایی ملوکانه در اصفهان قرار گرفت و از شاه ایران خواست که او را در نبرد پدرش یاری کند. شاه سلیمان حاضر به به هم زدن صلحی نشد که میان پدرش با پدر اورنگ زیب بعد از فتح قندهار منعقد شد و شاه جهان این شهر را به ایران بازپس داد و حدود میان دو کشور در فاصله شهرهای قندهار و غزنی بار دیگر شناخته و معین شد. شاه سلیمان به اکبر وعده داد که پس از مرگ اورنگ زیب و ایجاد کشمکش میان برادرانش بر سر جانشینی، مجالی برای اقدام او فراهم خواهد آورد. شاهزاده اکبر بعد از مرگ شاه سلیمان برای آزمایش بخت خود از مشهد که در آنجا رحل اقامت افکنده بود در سال ۱۱۰۶ به اصفهان آمد و در این سفر است که جمال الدین محمد ملازم او این دفتر کلان را برای تحریر آثار نظم و نثر مورد نظر خود برگزید و در آن به کتابت مطالب ادبی و مذهبی و منتخب اشعار پرداخت. قرینه ای یا سند معتبری در دست نداریم که معلوم سازد شاه سلطان حسین در برابر تقاضای کمک او تا چه درجه تسلیم شد زیرا در ۱۶ رمضان ۱۱۰۷ شاهزاده اکبر را با جلال الدین محمود نویسنده مجموع در چهاردیواری قندهار می نگریم که برای تهیه مقدمات کار تجهیز و تحریک طرفدارانش نزدیک به مرز هند موضع اختیار می کند و تا ۲۰ ذی قعدة ۱۱۰۸ در آن جا می ماند. در سال ۱۱۰۹ همواره او را در فراه میان مشهد و قندهار می نگریم که از تشریف فرمائی شاهزاده اکبر هم یاد می کند. از قرار معلوم کوشش اکبر برای رخنه جویی به قلمرو کابل و سند به نتیجه مطلوب نمی رسد و از عهده تحریک سران قبایل مرز نشین بر ضد پدر خود بر نمی آید. سرانجام از فراه که بر سر راه ارتباط قندهار و هند بود به مشهد بر می گردد و از آنجا باز به تحریک می پردازد و به وسیله همین جمال الدین محمود خلعت و هدایا برای سران ایلات مرزی قندهار می فرستد. از ۱۱۱۵ به بعد این نحوه فعالیت های او برای دست یافتن به تاج و تخت هند متوقف می ماند تا سال ۱۱۱۹ که مرگ اورنگ زیب می توانست چنین امیدی را زنده سازد ولی دیگر موقع متناسبی به دست نیامد، چه بروز مقدمات بر هم خوردن اوضاع مرزی در هرات و قندار و توابع و ترمذ افغانهای ابدالی اکبر را در مشهد از هر گونه اقدامی مأیوس کرد و طولی نکشید که در آن شهر به حال نومیدی مرد و به خاک سپرده شد. شاید سرنوشت جامع مجموعه هم از سرنوشت شاهزاده مخدومش بهتر نبوده است. چه دیگر در این مجموعه از ۱۱۱۹ به بعد اثر تاریخ داری از او دیده نمی شود. بلکه در سال ۱۱۲۵ وجیه الله نامی در شهر بغداد به خط دیگری به تحریر قطعه شعری در صفحه ۵۷۵ مجموعه می پردازد که در آن اشاره ای به مالک و صاحب اصلی مجموعه ندارد و چنین می نماید که مجموعه به دست دیگری افتاده است. میرزا طاهر وحید - این مجموعه که اکنون به شماره ۸۸۴۰ فهرست خطی کتابخانه مجلس شناخته می شود و برای آن فهرست تفصیلی جامعی فراهم آورده اند در میان اشعار منتخب و منقول از شعرا ترکیب بندی یا مخمسی به نام محمد طاهر وحید دارد که بنا بر قرائن و شواهد صفحات پیش و پس باید در فاصله سالهای ۱۱۱۲ تا ۱۱۱۸ در این دفتر نوشته شده باشد. میرزا محمد طاهر وحید قزوینی پس از دوران سلطنت شاه عباس دوم تا پادشاهی شاه سلطان حسین سمت های وقایع نگار و منشی الممالک و وزیر و اعتماد الدوله را متوالیا پیدا کرد. آثار متعدد نظم و نثر از او به یادگار مانده که اهم آنها مجموعه منشآت و تاریخ عباسنامه او تا کنون به چاپ رسیده ولی دیوان مفصل اشعارش به صورت مخطوط در کتابخانه های ایران و خارج محفوظ است. در آن زمان که شاهزاده اکبر از هند به ایران پناه برد و وحید در مقام وزارت شاه سلیمان قرار داشت و نامه های میرزا طاهر را به اکبر و امام مسقط

که در ضمن مسافرت راه را بر شاهزاده فراری به امید استفاده مادی از پدرش اورنگ زیب فروبسته و در مسقط مانع حرکت او به طرف ایران شده بود در مجموعه چاپی و خطی منشآت او می توان یافت. بنابر این شخصیت میرزا طاهر وحید بعد از شاه سلیمان و قبل از شاه سلطان حسین برای شاهزاده اکبر و همراهانش خوب شناخته بود. چه بسا که جمال الدین محمد جامع جنگ درک فیض حضور و صحبت او را کرده باشد. بنابر این درج این ترکیب بند یا مخمس در مجموعه او از مدارک اساسی روایت معاصران شاعر از شعر محسوب می شود و در صحت انتساب آن بها و جای تردیدی باقی نیست. مطالب و موضوعات مندرج در مجموعه همه قابل ملاحظه و تعریف است ولی کوتاهی فرصت ما را در حوزه مطالعه همین یک قطعه شعر که یکی از معاصران وحید از او روایت کرده است محدود می سازد. برای این که خوانندگان از این قطعه شعر بهتر آگاه باشند به نقل صورت خطی و عکسی آن از روی صفحه ۵۷۶ مجموعه نمره ۸۸۴۱ خطی کتابخانه مبادرت می ورزد. مخمس میرزا طاهر وحید: ساقی عشقت ای صنم! زهر ستم سبو سبو ریخت به ساغر دلم با می غم کدو کدو چند دوم من از غمت گوشه به گوشه سو به سو گر به تو افتدم نظر چشم به چشم و رو به رو شرح کنم غم تو را نکته به نکته مو به مو تا به ره محبت پای طلب نهاده ام بر رخ دل در الم از ستمت گشاده ام تا قدمم به سر نهی خاک نشین چون جاده ام از پی دیدن رخت همچو صبا فتاده ام خانه به خانه در به در، کوچه به کوچه کو به کو در عقب تو جان من هست چو سایه ات روان بسته به زلف و گیسوت رشته جان عاشقان از چو توئی گسستن مهر وفا نمی توان مهر تو را دل حزین بافته بر قماش جان رشته به رشته، نخ به نخ، تار به تار، پو به پو بار جدایی تو را بس که به جان کشیده ام همچو کمان حلقه از بار ستم خمیدم ام بس که چو طفل لاله من خون جگر مکیده ام می رود از فراق تو خون دل از دو دیده ام دجله به دجله، یم به یم، چشمه به چشمه، جو به جو ریخت مگر بنفشه بر صفحه یاسمین، خطت یا که فکنده سایه بر زهره مه جبین، خطت خون شده نافه را جگر تا شده چین به چین، خطت داده دهان و عارض و چهره و عنبرین خطت غنچه به غنچه، گل به گل، لاله به لاله، بو به بو در غمت از جگر فغان، آه زدل بر آیدم گیسو حلقه حلقه ات دام بلا نمایدم لحظه به لحظه دم به دم خون ز دودیده زایدم از رخ و چشم و زلف و قد، ای مه من، فزایدم مهر به مهر و دل به دل، طبع به طبع و خو به خو تا شده استخوان من با سگ کویت آشنا محض وفا توئی، مرا غیر تونیست مدعا مانده به زیر بال غم گردن مطلب هما در دل خویش طاهرا گشت و ندید جز وفا صفحه به صفحه، سر به سر پرده به پرده تو به تو سخن شناس مو شکاف از سنجش ابیات هر بندی از بندهای هفت گانه این شعر می تواند به تفاوت جنس و اسلوب سخن در میان سه مصراع اول هر بند با دو مصراع آخر آن پی ببرد. این اختلاف شکل و معنی در آخرین بیت که تخلص شاعر را در مصراع چهارم به همراه دارد بیش از شش بند پیش از آن نمودار است. بنابراین چنین استنباط می شود که این مخمسی که به اعتبار ارقام تاریخ صفحات پیش و پس از آن در فاصله ۱۱۱۲ و ۱۱۱۹ هجری یعنی چند سال بعد از وفات میرزا محمد طاهر نوشته شده مخمسی بوده که وحید بر پایه غزل شاعر دیگری، طاهرا یا طاهر تخلص سروده و راوی معاصرش آن را با نام او در مجموعه مورد بحث ضبط کرده است. طاهرا کیست؟ حال بینیم طاهر یا طاهرای شاعر اصل غزل که بوده و در چه زمان می زیسته است؟ طاهرا نجدلی یا شاه طاهر داعی از سخنوران و نویسندگان زبردست صده دهم هجری بود که مدتی در رودبار قزوین و سپس در کاشان رحل اقامت افکند و به طاهر کاشی معروف شد. پس از مهاجرت اجباری به حیدرآباد دکن به شاه طاهر دکنی شناخته می شد. اشعار و منشآت قابل ملاحظه ای از او در جنگ های صده یازدهم به بعد دیده ام که قدرت او را در نظم و نثر فارسی نشان می دهد. شاه طاهر مورد احترام شیعه اسماعیلیه ایران بود و علاوه بر مرتبه دعوت، گویی در مظنه وصول به مقام امامت هم قرار داشت. و از این رو مورد تعقیب دولت قزلباش صفوی قرار گرفت و ناگزیر از جلای وطن و اقامت در دکن شد. عجباً که از برکت همین هجرت جبری و غربت گزینی مذهب شیعه امامیه به سعی شاه طاهر مورد قبول و ترویج سلاطین گولکنده دکن قرار گرفت. چهل و اندی سال پیش در جنگ نظم و نثری از دوره صفویه این غزل را با نام طاهرای کاشی دیدم و به همین نظر وقتی درسی و اندی سال پیش در جنگ ۱۴۰۹۱ کتابخانه مجلس رسیدم دریافتم که این مخمس را طاهر وحید بدون قید

تخلص خود وحید در پی سه مصراع از بند هفتم، به نام طاهرای شاعر اصل غزل تمام کرده است تا از شبهه ارتباط با اسماعیلیان در امان بماند و با آن که از جمع کلمه طاهر میان اسم خود و تخلص شاعر شعر استفاده کرد باشد به هر صورت اصل این غزل از شاه طاهرای انجدانی کاشی دکنی است که در اواسط صده دهم هجری می زیسته و میرزا طاهر وحید در اواخر صده یازدهم هجری مخمسی بر آن ساخته و در دهه دوم از صده دوازدهم جمال الدین محمد جامی از ندمای اکبر شاهزاده هندی متوفی در مشهد این مخمس را در مجموعه نظم و نثر خود به نام میرزا محمد طاهر وحید ضبط کرده است. حزین: در این صورت نسبت آن به شیخ محمد علی حزین لاهیجی متوفی در بنارس هند که در نیمه دوم از صده دوازدهم مرده به اعتبار بیت (مهر تو را دل حزین یافته برقمش جان، رشته به رشته، نخ به نخ، تار به تار، پو به پو) نمی تواند تحقق پیدا کند زیرا شیخ حزین در تاریخ ثبت این مخمس کودکی خردسال بوده است. و به طور اولی انتساب آن به زرین تاج قزوینی ملقب به قره العین که یک صد و ده سال بعد از تاریخ تحریر این غزل در مجموعه کتابخانه مجلس به دنیا آمده و تقریباً یکصد و چهل و اندی سال بعد از آن، در واقعه بدشت هزار جریب مازندران با ملا محمد علی قدوس بار فروشی و میرزا حسینعلی نوری شرکت جست و سزاوار لقب طاهره شد با قبول عقل سازگار نمی آید. طاهره: باید دانست بایان که در اواخر صده سیزدهم هجری در صدد جمع آوری دیوان شعری برای قره العین بودند از برخی اشعار جالب و جاذب که نام شاعر آنها درست شناخته نباشد چند غزل برگزیدند از آن جمله این غزل را با نام او ثبت کردند. و آن را با مقداری شعر همانندش به نام اشعار طاهره در دسترس فارسی زبانان هندوستان نهادند. گیرندگی صورت لفظی غزل که از کیفیت صوتی مهیج خاصی برخوردار است. این غزل را از راه تبلیغ و ترویج دنباله دار در ایران و هند به نام قره العین چندان بستگی داد که دکتر شیخ محمد اقبال شاعر بزرگ فارسی زبان عالم اسلام در مثنوی جاوید نامه خود به سال ۱۳۱۰ عین غزل را به نام طاهره در متن کتاب «سیر بهشت و دوزخ» خود نقل کرده است. در نامه ای که به سال ۱۳۱۷ از تهران برای مرحوم اقبال نوشته شد این اشتباه در انتساب غزل به طاهره را متذکر شدم ولی نامه به واسطه پیش آمد وفات ناگهانی او به لاهور فرستاده نشد و اخیراً صورت آن برای یکی از مجلات فرستاده شد که عنقریب انتشار خواهد یافت. سلب نسبت در ۱۳۲۱: مقاله ای در پژوهش و تحقیق نام گوینده این غزل در شماره اول از مجله محیط انتشار یافت که مورد توجه صاحبان فضل و کمال قرار گرفت. تأثیر این مقاله به درجه ای است که وقتی دسته ازلی از بایان خواست دفتری به یادبود سال ۱۲۶۸ هجری که سال مرگ قره العین بود انتشار بدهند، این غزل را از مجموعه اشعار منتسب به او حذف کردند ولی دسته دیگر از بایان (بهائی) آن را هنوز به نام قره العین در هند و ایران تبلیغ می کنند. لقائی مبلغ کاشانی که طبع شعری داشت تقریباً شصت سال پیش از این مخمسی بر بنیاد همین غزل طاهرا (به خیال آن که از قره العین است) سرود و مطلع آن را گوئی از مخمس میرزا طاهر اقتباس کرده و گفته است: ساقی باقی از وفا باده بده سبو سبو الخ. تکرار اشتباه معاصران: عجب است از فاضل کتاب دیده و کتابشناسی مانند شادروان مجتبی مینوی که در رساله اقبال نامه ای که در مجله یغما آن را به سال ۱۳۲۷ چاپ و منتشر ساخت، ضمن بحث از کتاب جاوید نامه اقبال، این غزل را به پیروی از آن شاعر و بدون تحقیق در صحت و سقم انتساب از قره العین شمرده است، در صورتی که شش سال پیش از آن مجله محیط انتساب آن را به قره العین با استناد به همین مجموعه ۸۸۴۱ کتابخانه مجلس رد کرده بود. با وجودی که سی و پنج سال پیش از روی دلیل و شاهد در اثری معروف نشان داده شد که غزل (گر به تو افتدم نظر) ... مربوط به طاهرای کاشی است نه حزین لاهیجی و نه طاهره اصفهانی و طاهره قزوینی، باز می نگریم برخی از نویسندگان مقالات و گویندگان رادیو در انتساب شعر به قره العین خطای دکتر محمد اقبال و مینوی را تکرار می کنند و به نتیجه تحقیق و استدلال و تذکر مکرر پژوهندگان صاحب نظر بذل توجهی ندارند. خوانندگان ارجمند باید صرف نظر از این مورد خاص این نکته را باید مد نظر داشته باشند که شعر شاعر سخنور و سخنندان با شعر آنکه گاهی به تفنن سخنی می سراید تفاوت اساسی دارد و غالباً خود آثار منقول و منظور بر هویت و ماهیت فنی شعر و شاعر قرینه و شاهد شناخته می شود.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۵۲۴۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

